

## نشریات ترکیه

### چند کتاب خطی مهم فارسی در قونیه

خوانندگان محترم نشریه بخاطر دارند که در سال سوم نشریه (ص ۱۷۳-۱۶۶) با ترجمه و تلخیص از مقاله‌ای که فاضل ارجمند آقای احمد آتش در «مجموعه زبان و ادبیات ترک» درج کرده بودند چند کتاب خطی مهم فارسی معرفی نموده بودم . آقای آتش چندی پیش مقاله دیگری از این قبیل بعنوان «بعض کتابهای خطی مهم در کتابخانه‌های قونیه» (۱) منتشر ساخته‌اند که در اینجا نیز میخواهم قسمتی از آن را که راجع بکتاب فارسی است بطور تلخیص ترجمه نمایم . در مقاله مزبور ۹۲ مجلد از کتب خطی کتابخانه های قونیه ( کتابخانه موزه و کتابخانه یوسف آقا) معرفی شده است که بترتیب ۴۲ مجلد آن عربی و ۴۹ مجلد (از شماره ۴۳ تا ۹۱) فارسی و مجلد شماره ۹۲ ترکی است . اینک قسمت کتابهای فارسی را که بدو بخش منظوم و منشور منقسم میشود با حفظ عین شماره کتابها در اصل مقاله بطور خلاصه از نظر خوانندگان محترم میگذرانم .

### بخش نخستین - کتب فارسی منظوم

#### ۴۳ - «علی نامه»

این کتاب که در هیچ جا در باره آن نتوانستم اطلاعاتی بدست بیاورم و ظاهراً این نسخه نسخه منحصر بفرد است در سال ۴۸۲ هجری تألیف یافته و مانند شاهنامه بیحرمتقارب است و تقریباً دارای یازده هزار بیت میباشد .

(۱) - Ahmed Ateş . «Konya Kütüphanelerinde bulunan bazı mühim yazmalar» (Belleten , Cilt XVI, Sayı 61 , s.49 - 130 , Ankara , Ocak , 1952) .

علی نامه خواند خداوند هوش      ندارد خرد سوی شهنامه گوش  
چو آمد بسر نظم این سعدفال      دو و چار صد بود و هشتاد سال

علی نامه از چند جهت در تاریخ ادبیات ایران اهمیت دارد : اولاً نخستین کتاب مذهبی است که بشکل داستان نوشته شده است و تا آنجا که من میدانم بعد از این کتاب «خاوران نامه» از طرف محمد بن هشام الدین نوشته شده و تاریخ تألیف آن سال ۸۳۰ هجری است . ثانیاً در باره فضایل حضرت علی ع چنانکه بزبان عربی بخصوص از طرف شیعیان کتابهایی تألیف شده بود بزبان فارسی نیز مخصوصاً کتابهای زیادی بایستی تألیف میشد ، و این کتاب از آن قبیل است که زندگانی حضرت علی و سرگذشتهای خارق العاده ویرا بشکل داستان شرح میدهد .

تاریخ استنساخ این نسخه بقرار زیر قید شده است :

«تم الكتاب ۰۰۰ فی یوم ۰۰۰ محمد بن محمود بن مسعود ۰۰۰ التستری فی یوم الخميس سابع شهر رمضان ۰۰۰» . برگگی که دنباله این عبارت در آنجا بوده افتاده است و تاریخ استنساخ باید قرن ۸-۷ هجری باشد .

#### ۴۴ - جوهرالذات یا (جواهرالذات) (از فریدالدین عطار)

در باره فریدالدین عطار نخستین تدقیق جدی از طرف میرزا محمد قزوینی بعمل آمده است (عطار ، تذکره الاولیاء ، لیدن ، ۱۹۰۵ ، مقدمه ، ص ۱۱-۱۹) . قزوینی در جزو آثار عطار از مثنوی مظهرالعجایب هم بحث میکند و آن را نسبت بدیگر آثارش بسیار سست و بی ارزش می بیند ، بطوری که مشکل میداند که این مثنوی ودیگر آثار عطار از قلم يك شخص باشد و سپس میخواهد این اثر را متعلق بدوره پیری او بداند یعنی دوره ای که قوه شاعری وی بضعف وفتور دچار بوده است .

استاد هلموت ریتز (H. Ritter) در مقاله ای که در مجله «Der Islam» بعنوان «Philologica , X , 1938 , XXV , s.134-173» نوشته است این موضوع را دوباره تدقیق نموده و آثار عطار را از نظر سبک بسه قسم تقسیم کرده است : آثار دوره اول که مایل بصنایع ادبی است ، مانند خسرونامه ، دیوان ، مختارنامه و غیر آنها ؛ آثار دوره دوم که تکرار فراوان دارد و خوبتر حریر نشده است ، مانند اشترنامه ، جوهرالذات و غیر آنها و آثار دوره سوم که دوره پیری شاعر است و نظم و ترتیب در آنها وجود ندارد ، مانند مظهرالعجایب و لسان الغیب .

بالاخره آقای سعید نفیسی در کتاب خود موسوم به «جستجو در ادب و آثار فریدالدین عطار» (تهران، ۱۳۲۰) این مثنویها را مورد مطالعه قرار داده و در نتیجه فقط آثار دوره اول را از عطار دانسته است و در باره دیگر آثار او عقیده اش این است که آنها ساختگی است و حتی با بعضی دلایلی که از مظهرالعجایب استخراج کرده کوشیده است اثبات نماید که در قرن نهم هجری ساخته کاری بنام فریدالدین محمد عطار تونی این آثار را نوشته و بعطار حقیقی نسبت داده است.

در واقع از لحاظ سبک ما بین آثار عطار فرق فاحشی است، ولی این را هم نمیتوان قبول کرد که کسی بتواند آثاری مانند جواهرالذات و غیره که هر کدام در حدود ده هزار بیت میباشد از خود بوجود بیاورد ولی آن را بجای اینکه برطبق واقع بخود نسبت بدهد از روی ساخته کاری بکسی دیگر منسوب سازد.

بعقیده ما این موضوع را بیشتر از سبک تدقیق و مطالعه نسخ خطی آثار عطار روشن خواهد ساخت؛ چنانکه نسخه جواهرالذات قسمتی از آن را روشن میسازد، باین معنی که این نسخه در جمادی الاولی ۳۶ - ۷۳۵ هجری نوشته شده است و بنا بر این اگر ساختگی هم باشد نمیتواند چنانکه آقای سعید نفیسی مدعی هستند از طرف کسی نوشته شده باشد که در قرن نهم میزیسته است.

#### ۴۵ - مقامات الطیور یا (منطق الطیر) (از فریدالدین عطار)

این کتاب که معروفترین مثنوی عطار است چاپ شده و نسخه های خطی متعددی نیز از آن موجود است. تاریخ استنساخ قدیمترین این نسخهها بنیمه اول قرن هشتم هجری نمیرسد و حال آنکه نسخه مورد بحث ما در اواخر قرن هفتم نوشته شده است و ما بامید اینکه در نشر انتقادی آثار عطار مورد استفاده واقع گردد قدیمترین نسخه های مقامات الطیور و دیگر آثار عطار را تا آنجا که میدانیم معرفی مینمائیم.

از مقامات الطیور نسخه ای در قونیه، در کتابخانه موزه شماره ۱/۱۷۳۴ از برك ۱ (الف) تا برك ۱۰۲ (الف) موجود است. تاریخ استنساخ آن در برك ۱۰۲ (الف) بدین شکل قید شده است:

«تم الكتاب المعروف بمقامات الطیور ثالث عشر رجب عمت میامنه سنة ثمانین وستمائة علی ید الراجی ابراهیم بن عوض المراغی ۰۰۰».

نسخه ای دیگر نیز در قونیه، کتابخانه موزه شماره ۱/۱۹۱ است از برك ۱ (ب)

تابرك ۱۰۹ (ب) و تاریخ استنساخ آن بدین قرار است :

«تم الكتاب المعروف بمقامات الطيور في ثامن عشرین سنة ثلث و تسمین (۴) و ستمائة علی بد الضعیف ابراهیم بن عوض المرأغی ابوه ۰۰۰».

#### ۴۶ - اسرار نامه (از عطار)

نسخه‌هایی از این کتاب که در اینجا ذکر میکنیم قدیمترین نسخه‌هایی است که از آنها اطلاع داریم.

نسخه‌ای از آن در قونیه ، کتابخانه موزه شماره ۱۷۳۴/۲ است از برک ۱۰۳

(ب) تا برک ۱۷۲ (ب) و تاریخ استنساخ آن بدین ترتیب است :

«تم الكتاب المعروف باسرار نامه علی بد العبد الضعیف (مستنسخ نام خود را بحروف سریانی نوشته است) تاسع عشر رجب سنة ثمانین و ستمائة» .

نسخه‌ای دیگر باز در قونیه ، کتابخانه موزه شماره ۹۱/۲ است از برک ۱۱۰

(ب) تا برک ۱۸۱ (ب) و تاریخ استنساخ آن چنین است :

«تم الكتاب المعروف باسرار نامه فی خامس ذی الحجة سنة ثلاث و تسمین (۴) و ستمائة الحمد لله ۰۰۰» .

#### ۴۷ - مصیبت نامه (از عطار)

نسخه‌ای از آن در قونیه ، کتابخانه موزه شماره ۱۷۳۴/۳ از برک ۱۷۳ (ب)

تا برک ۳۲۳ (ب) است .

نسخه‌ای دیگر نیز در همان کتابخانه شماره ۹۱/۳ از برک ۱۸۲ (ب) تا برک

۳۴۹ (ب) است و قید استنساخ آن بدین قرار است :

«تم الكتاب المعروف بمصیبت نامه ۰۰۰ علی ۰۰۰ بد ۰۰۰ ابراهیم بن عوض

المرأغی ابوه فی سادس عشرین شهر الله المبارک محرم سنة ثلث و تسمین (۴) و ستمائة الحمد لله ۰۰۰».

#### ۴۸ - مثنوی (از جلال الدین مولانا)

این موضوع مورد اختلاف است که آیا مثنوی مولانا جلال الدین شش جلد

است یا هفت جلد . در مآخذ قدیم بخشی از جلد هفتم نیست . شارح مشهور مثنوی

رسوخی اسماعیل دده بتاريخ ۱۰۳۵ هجری جلد هفتمی خطی مورخ در سال ۸۱۴

هجری پیدا کرده و آنرا شرح نموده و بدین ترتیب جلد هفتم مثنوی انتشار یافته است

(رجوع شود به مولانا، مثنوی، ترجمه Veled Izbudak، مقدمه و توضیح Gölpınarlı

A.Gölpınarlı ، جلد 1 ، استانبول ، ۱۹۴۲ ، مقدمه، ص B و C) . چنانکه در میان نسخ متعددی که من در قونیه دیده‌ام فقط آنها که پس از تاریخ ۱۱۰۰ هجری استنساخ شده هفت جلدی هستند و نسخه های دیگر شش جلدی میباشند. بدیهی است که برای رسیدن ب نتیجه قطعی در این باب ، علاوه بر تدقیق اختلاف سبک مابین این جلدها قدیمترین نسخه های جلد هفتم را بایستی پیدا کرده مطالعه نمود. و من نسخه های مثنوی را بدین منظور تدقیق کردم و در نتیجه نسخه ای که در اینجا مورد بحث است پیدا شد و این نسخه بعقیده من موضوع را کاملاً حل خواهد کرد ؛ زیرا این همان نسخه مورخ ۸۱۴ هجری است که رسوخی اسماعیل دده آن را دیده بوده و تا آنجا که من میدانم قدیمترین نسخه جلد هفتم همین نسخه است و بطوری که از خاتمه آن معلوم میشود آخرین جلد کتاب مثنوی است که از طرف منشی بدیع التبریزی معروف به منوچهر تاجری که اصلاً از اهل تبریز بوده و در قونیه تولد یافته استنساخ گردیده است .

مستنسخ تهریح نمیکنند که این کتاب را از روی کدام نسخه نوشته است و وقتیکه انسان این نسخه را می بیند تصور میکند که ناسخ پس از آنکه کتابت جلد ششم مثنوی را پایان رسانیده داشت خواسته است که از طرف خود جلد هفتمی نیز بآنها اضافه کند و بدین ترتیب آن جلد را نوشته بمولانا نسبت داده است .

این نسخه در قونیه ، کتابخانه موزه بشماره ۲۰۳۹ است بخط نسخ مانند نسخه های قدیم و کاغذ آن شبیه بکاغذ نسخه های معاصر مولانا ، بطوری که ابتدا تصور میشود که یکی از نسخه های قدیمی مثنوی است .

قید استنساخ آن بدین قرار است : جامع علوم انسانی

«اتفق الفراغ من تعلیقه ۰۰۰ یوم اثنان اواسط شهر ۰۰۰ ذوالحجّة ۰۰۰ (در حاشیه چنین نوشته شده است : برای جلد اول و ثانی سنة اربع عشر و ثمانمائه نوشته و برای جلد های دیگر فی سنة المذکورة) من سنة المذکورة علی بدالعبد ۰۰۰ بدیع التبریزی محتدا والقونیوی مولد المروف بمنوچهر التاجری المنشی ۰۰۰» . و نسخه بدین ترتیب آغاز میشود :

«مجلد هفتم از جمله دفاتر مثنوی و طوامیر معنوی ۰۰۰۰۰»

دولت پاینده فقرت بر مزید  
بر فراز چرخ هفتم کن مقرر ۰۰۰۰»

ای ضیاء الحق حسام الدین سعید  
چونک از چرخ ششم کردی گذر

## ۴۹ - دیوان حافظ شیرازی

دیوان حافظ شیرازی (وفات بسال ۷۹۱ هجری) چه مطبوع و چه خطی نسخه های زیادی دارد و اخیرا معلوم شده است که در این نسخه ها دخل و تصرفی بعمل آمده و بعضی اشعاری که از حافظ نیست باو نسبت داده شده است . از این رو احتیاج دیده اند که دیوان مزبور بشکل انتقادی طبع و نشر شود و بهمین جهت در صدد بدست آوردن قدیمترین نسخه های خطی این دیوان برآمده و ابتدا از روی يك نسخه خطی که بتاریخ ۸۲۷ هجری نوشته شده در تهران در سال ۱۳۰۶ بطبع و نشر دیوان مزبور اقدام کرده اند . اخیرا نسخه ای از آن در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۳۹۴۵ پیدا شده که تاریخ تحریر آن ۸۱۴-۸۱۳ است .

ولی در قونیه، کتابخانه موزه بشماره ۱۰۷/۴ نسخه ای است که در سال ۸۱۹ هجری نوشته شده و بنابراین از حیث قدمت فعلا سومین نسخه میباشد .  
در این نسخه در ص ۴۵۶-۳۷۶ کتاب گلشن راز محمود شبستری (متوفی بسال ۷۱۷) و در ص ۵۸۵-۴۵۷ مقطعات ابن یمن (متوفی در ۷۴۵) موجود است .

## ۵۰ - انیس العارفين (از قاسم انوار)

سید معین الدین علی قاسم انوار شاعر متصوفی است که در اشعار خود «قاسم» یا «قاسمی» تخلص میکند . در سال ۷۵۷ هجری در سراب از -والی تبریز تولد یافته و پس از تحصیل در پیش صدرالدین اردبیلی بخراسان رفته و در عهد تیمور و شاهرخ درهرات اقامت داشته است . پس از مسافرتهاى طولانی دو باره بخراسان برگشته در سال ۸۳۷ و بقول دولتشاه در ۸۳۵ در خرگرد وفات یافته است .

قاسم انوار که از بزرگترین شعرای متصوف عصر خویش است و اشعار ترکی نیز دارد دارای آثاری است که مشهورترین آنها دیوان و انیس العارفين و رساله جوریه (رسالة الامانة نیز نامیده میشود) است که نسخ خطی زیادی از آنها پیدا میشود . نسخه مورد بحث در اینجا در سال ۸۱۹ هجری یعنی در زمان خود مؤلف و ۱۶ سال پیش از وفات وی نوشته شده است .

این نسخه در قونیه ، کتابخانه موزه بشماره ۱۳۷/۱ است و قید استنساخ آن چنین است :

«کتابه العبد الفقير الحقير تراب اقدام الساکين حسن الغياث الجوهري ۰۰۰ فی التاريخ

هفدهم ماه جمادی الاخر سنة ۸۱۹» .

وچنین آغاز میشود :

«منت خدایرا جلت عظمته ۰۰۰ اما بعد از حمد حضرت ۰۰۰ حق سبحانه و تعالی بنده فقیرالی ربه الخبیر علی بن نهمیر بن هارون بن ابی القاسم الحسینی التبریزی المشهور بقاسمی ۰۰۰ در ارادات انشاء این کتاب تعلق فرمود ۰۰۰» .

### ۵۱ - رساله جوریه (از قاسم انوار)

نسخه این رساله در قونیه، کتابخانه موزه بشماره ۱۳۷/۲ در ص ۵۱-۸۱ است در حاشیه این نسخه «زاد المسافرین» ناصر خسرو نیز موجود است .

### ۵۲ - دیوان (از قاسم انوار)

این دیوان حاوی اشعار قاسم انوار است و در قونیه، کتابخانه موزه بشماره ۱۳۷/۳ در ص ۴۸۵-۸۲ موجود میباشد و تاریخ تحریر آن ۸۱۹ هجری است .

### ۵۳ - دیوان (از عبدالرحمن جامی)

عبدالرحمن جامی چنانکه میدانیم در سال ۸۹۸ هجری وفات یافته است و نسخه دیوان او که در اینجا مورد بحث است در سال ۸۶۵ یعنی سی و چند سال پیش از وفات وی نوشته شده است .

این نسخه اثبات میکند که موضوع گردآوری اولین دیوان او که «فاتحة الشباب» نیز نامیده میشود در تاریخ ۸۸۴ (رجوع شود به. اته، کاتالوک، I، شماره ۱۳۰۰) بی اساس است . این قید اگر صحت داشته باشد شاید راجع بتجدید نظر از طرف خود جامی باشد .

نسخه در قونیه، کتابخانه موزه بشماره ۱۱۹ است و قید استنساخ آن چنین است: «تمت (i) الكتاب بعون الملك الوهاب علی يد العبد الفقير ۰۰۰ عبدالرحیم بن محمد بن سراج الدین فی عشرين رمضان المبارك سنة خمس وستين وثمانمائة» .

### ۵۴ - انبیانامه (از شیخ ابراهیم شهبستری)

انبیانامه اثر عالم و شاعر معروف شیخ ابراهیم شهبستری است که به «سیبویه ثانی» شهرت دارد . در باره شرح حال او چیزی نمیدانیم جز اینکه میدانیم در سال ۹۱۷ هجری در مسافرت بمکه کشته شده است .

از انبیانامه تا کنون يك نسخه معلوم بود که آن هم از اوائل افتادگی داشته و آن

نسخه بنگاله است در کتابخانه «جمعیت آسیا» شماره ۱۷۵۴ . ابوانف (Ivanow) آن نسخه را از نو مطالعه نموده و اظهار داشته است که نسخه مزبور ممکن است در زمان غازان خان (۷۰۳-۶۹۴) نوشته شده باشد. و حال آنکه اگر بکشف الظنون مراجعه مینمود میدید که این اثر راجع بزمان غازان خان نیست بلکه در اوایل قرن دهم هجری یا کمی پیش از آن نوشته شده است .

نسخه مورد بحث ما کامل است و آن در قونیه ، کتابخانه موزه شماره ۱۳۱ است و دارای ۷۸۰ صفحه میباشد و قید استنساخ آن بدین شکل است :

«تمام شد این انبیانامه از گفتار عالم ربانی المختص بعواطف الملك السبعانی ۰۰۰ شیخ ابراهیم الشبستری در اوایل شهر جمادی الاخر سنة ثلث و خمسين و ستمائة» .  
انبیانامه چنانکه از اسمش نیز معلوم میشود راجع بشرح حال پیغمبران است که مانند شاهنامه بیحرمتقارب بنظم کشیده شده است .

نخستین بیت آن چنین است :

الهی بدل کامم از خامه ده      نوای دل از انبیانامه ده (۱)

( بقیه در شماره آینده )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

